



چهارشنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۴۷۸

فرهنگ وهنر

به عبارت دیگران

چه کسانی می‌خواستند دوران ریاست جمهوری را تمدید کنند؟

در سال‌های پایانی دولت ششم (سال ۱۳۷۵) مگر کسانی نمی‌خواستند دوره ریاست جمهوری را تمدید کنند و صریحا



پیشنهاد می‌کردند که با تغییر قانون اساسی این کار انجام شود؟ اینکه مطلب پنهانی نیست... چه کسی جز رهبری به گونه‌ای مدبرانه، منطقی، بدون ایجاد سروصدا، تبلیغات و... از این رویداد پیشگیری کرد؟ سردمداران اصلی این مساله که اظهارات‌شان در مطبوعات همان زمان ثبت شده و موجود است، آقای طاهری (امام جمعه وقت اصفهان)، دکتر مهاجرانی (وزیر ارشاد دوره آقای خاتمی)، آقای عبدالله نوری (وزیر کشور دوره آقای خاتمی و از حامیان اصلی آقای کرباسچی)، آقای حسن روحانی (نماینده رهبری در شورای عالی امنیت ملی) و... بودند.

علی ذوعلم

نقد قال؛ تأملی بر یک نامه

انتشارات کانون اندیشه جوان

صفحه ۲۹۹

آلودگی روزافزون و نصایح مسوؤلانه!

در تهران روزرواز کلی خودروی جدید به ترافیک شهری افزوده می‌شود، از آن طرف برنامه مدون و معینی هم برای خارج کردن خودروهای فرسوده، حل گردهای ترافیکی و حمل‌ونقل همگانی نداریم، آن وقت خیال می‌کنیم در این دنیای باقالی به چند من، صبح به صبح ذیل نصایح پدرانۀ مسوؤلان، هوا

تمیز تر می‌شود؟ زهی خیال باطل!

طرفه آنکه همان مسوؤلوی امروز آلودگی هوا را محکوم می‌کند و برای آن یقه چاک می‌کند که دیروز روز در خوش‌شان توسعه‌یچی سه‌منی به دست می‌گرفت و رویان خودروسازی جر می‌داد. این یعنی عدم درک فرایندآ تو خود بر علت یا می‌فشاری و آنگاه سادۀلوحه‌ای معلول را محکوم می‌کنی!

یکی بر سر شاخ و بن می‌برید...

رضا امیرخانی

نشت نشا

انتشارات قدیایی

صفحات ۱۰ و ۱۱

اگر غرب اسرائیل را به حال خود رها می‌کرد...

نراقی: من از تو تعجب می‌کنم. چرا مدام خود را به کوچۀ چپ می‌زنی؟ چرا می‌خواهی، با «ها» و «اگر» گفتن و حرف زدن از «حکومت‌ها»، از حقیقت رو بگردانی؟ مگر من نگفتم که، درباره حمایت از اسرائیل، غرب «چپ» و «است» ندارد؟ چرا این همه اصرار داری که «مردم» غرب را از «حکومت»‌های غربی تفکیک کنی؟ «حکومت»‌های غربی، بالاخره، در «مردم» غرب ریشه دارند. و مگر من نگفتم که به چشم خود در یونسکو دیدم که تمام روشنفکران نو بور و چشم آبی غربی، چه آنان که شب‌ها «کاپیتال» در بغل می‌خوابند و چه آنان که «نچیل» را همیشه به سینه می‌فشارند، طرفدار اسرائیل بودند؟ این نکته ربطی به «حکومت»‌های غربی ندارد. روشنفکران، به هر حال از «مردم»‌اند. و مگر باز من نگفتم که سارتر، که در غرب به عنوان یکی از نمایندگان روشنفکران «ضد حکومت»

شناخته‌شده‌است و در خیلی موارد در صدد بوده است که از «زادی‌ها» دفاع کند، درباره اسرائیل، مثل سایر روشنفکران اروپایی، کر و کور است و از حکومتی دفاع می‌کند که اساس آن بر ظلم و ستم نسبت به مردم فلسطین استوار است؟ مگر سارتر و همفکرانش نمی‌دانند که اسرائیل به طور کلی نژادپرست است؟ مگر نمی‌دانی که در اسرائیل باید «یهودی» به دنیا آمد تا بتوان تبعه این کشور شد؟ و مگر نمی‌دانی که در اسرائیل تنها «یهودی» از «غیر یهودی»، بلکه، حتی «یهودی غربی» نیز از «یهودی شرقی» تفکیک می‌شوده... در کشوری همچون فرانسه، «افکار عمومی مردم» است که به رهبری رانسوا میتران‌ها و ژان‌پل سارتر‌ها، از اسرائیل دفاع می‌کند و حاضر نیست کوچک‌ترین امتیازی به مردم فلسطین بدهد. این همان آزادی آتنی است: «متروپول»، آزادی «پری‌فری» را نابود می‌کند.

البته، برای اینکه سوءتفاهمی پیش نیاید، لازم می‌دانم در همین جا اضافه کنم که یهودیان در شرق، بویژه در فلسطین و در کشورهای عربی، قرن‌ها با مسلمانان در صلح و صفا زندگی کرده‌اند و هیچ‌وقت در شرق احساس غیریهودی، به نوعی که در اروپا دیده شده به وجود نیامده است. غرب بود که با یهودیان جنایتکارانه رفتار کرد و اکنون نیز همین وجدان بیمار و معذب غربی است که ضدههود بودن گذشته خود را، به صورتی بیمار گونه‌تر، تبدیل کرده است به یک یهودنوازی ضد عربا طبیعت بیمار تمدن غرب همیشه، در طول تاریخ، با افرات کرده است یا تفریط، و همه اینها از اینجاست که غرب به «حق» و «عدالت» توجهی ندارد. اگر غرب اسرائیل را به حال خود وا می‌گذاشت، مشکل فلسطین قطعا حل می‌شد و مثلا، کنفدراسیونی از اسرائیل و اعراب به وجود می‌آمد. علت اینکه اسرائیل حاضر نیست به هیچ قیمتی با اعراب کنار بیاید، در حقیقت همین حمایت بیمار گونه‌ای است که غرب از این کشور می‌کند.

آزادی، حق و عدالت
مناظره احسان نراقی و اسماعیل خویی
(چاپ دوم، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۷)
صفحات ۱۶۷ تا ۱۷۰

پیامبر اعظم(ص):

وضو را کامل بگیر تا همچون ابر از صراط عبور کنی، با صدای آشکار سلام کن تا خیر و برکت خاندات افزون شود و زیاد صدقه پنهانی بده که این کار ختم پروردگار را فرو می‌نشاند

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیر عامل: زهرا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲ نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷
پيامرسان: info@vatanemrooz.ir پست الکترونیک: z.ir.vatanemrooz@info

چاپ: موسسه جام‌چم برتر بر نا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

نگاهی به برگزاری چهل‌وسومین دوره جشنواره جهانی فیلم فجر به میزبانی شیراز

بومی بیندیش و جهانی شو



جهان و بویژه هنرمندان آن نیاز است، اعتماد به نفس کافی برای بر خورد با آن‌هاست. یعنی اینکه از گفتن حرف خودمان نهراسیم و بدانیم آنها وقتی که ما به واقع «ایرانی» باشیم، بیشتر با ما کنار می‌آیند تا وقتی سعی کنیم شبیه به چیزی که به درست یا غلط تصور می‌کنیم آنها از ما توقع دارند شویم. طبیعتاً رویدادی مثل فستیوال جهانی فیلم فجر می‌توانست محملی باشد برای بازتاب دادن نوع نگاه و سلیقه فرهنگی ایرانی‌ها به جهان و مرجعیت دادن به این نوع نگاه در داخل کشور. فستیوال جهانی فجر می‌توانست فرصتی باشد برای بیان حرف‌هایی که در کن، ونیز، برلیناله و سایر رویدادهای نظیر آنها امکان طرح شدن ندارند. در زمانه‌ای هستیم که جشنواره کن هم فیلم «روح‌تر در دست بگیر و قدم بزن» را بخش می‌کند که رآوی اصلی آن در حملات رژیم صهیونیستی شهید می‌شود و در فستیوال ونیز فیلم «صدای هند رجب» به نمایش درمی‌آید. یعنی آنها هم تلاش می‌کنند خود را حامی مظلومان غزه نشان بدهند اما آنها همزمان یک نوع فاصله‌گذاری با هر عنصری که مقاومت را در این بستر ترویج کند دارند و یک همدردی ختنی با نسل کشی را تبلیغ می‌کنند. ما می‌توانستیم مقاومت مردم و برخی کشورهای منطقه در برابر یک کلونی استعماری در غرب آسیا را مشروع و موجه جلوه بدهیم یا می‌شد طرح‌های دیگری درانداخت که همگی در این فضای یک‌دست رسانه‌های جریان اصلی، مکتوم مانده‌اند. همین موارد می‌توانست افکار عمومی بخش قابل توجهی از مردم دنیا را با ما همراه کند و از این طریق، فستیوال جهانی فجر را به اهرمی قدرتمند در دست مدیران فرهنگی کشور تبدیل کند.اینکه ما در فضای فشار بین‌المللی بتوانیم میهمانانی از کشورهایی که دولت‌شان با ایران محاصمه دارند را به شیراز بیاوریم، یک ایده‌آل حداقلی است.ضمن اینکه عبارت فشار بین‌المللی تعبیر دقیقی نیست واین بلوک غرب با به تعبیر دقیق‌تر کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی هستند که چنین فشاری وارد کرده‌اند؛ کشورهایی که روی هم یک‌دهم جمعیت دنیا را بیشتر ندارند و تمرکز روی آنها یعنی نادیده گرفتن ظرفیت بخش بسیار بزرگ‌تری از سینمای جهان که می‌توانست در مسیری که مدنظر ما است همسو باشد.البته بخش قابل توجهی از این موارد سوای مدیران فرهنگی این دوره و برگزار کنندگان فجر جهانی چهل‌وسوم، به ریل گذاری‌هایی برمی‌گردد که از دهه‌ها پیش انجام شده و تا به حال عزمی جدی برای تغییرشان ایجاد نشده است. شاید مدیران فعلی فجر هم در ذهن‌شان به بعضی از همین نکات پی برده باشند و به آن فکر می‌کنند.

و بعدها عنوان سینمای معناگرا را هم پیدا کرد. بخش سینمای معناگرا تا چند دوره یکی از بخش‌های بین‌المللی جشنواره فجر هم بود و البته چنین نبود که برای این نوع از فیلمسازی هم صرفا جایی در میان باقی انواع فیلم‌ها باز شود و از این شیوه غیرتجاری سینما حمایتی معمولی صورت گیرد، بلکه مدیریت فرهنگی کشور با تمام توان در پی ترویج این سبک از کار بود. حالا در دوره چهل‌وسوم جشنواره جهانی فجر هم عنوان می‌شود که رویکرد جشنواره حمایت از سینمای شاعرانه است و در پیوند با این موضوع، نوری بیلگه‌جیلان، فیلمساز ترکیه‌ای، رئیس هیات داوران فستیوال می‌شود. عباراتی مثل سینمای شاعرانه و معناگرا که در تفسیر و تعیین معنای دقیق آنها هم بحث و فحص‌های طولانی و بعضا بی‌نتیجه‌ای جریان داشته، هرچه باشد، به نوعی دوری از فضای پر تنش اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و سیاسی ایران و جهان را تداعی می‌کند. چنین چیزی شاید برای دوره‌ای از تاریخ یک کشور که تمام معضلات را پشت سر گذاشته و حالا تلاش دارد از ترموای اتفاقات تلخ گذشته خلاص شود، یک تجویز مناسب به نظر بیاید اما برای جهانی که هنوز در وسط شعله‌های التهاب مثل چنین رویکردی می‌تواند یک غفلت عمدی آسیب‌زا یا حتی ویرانگر به نظر برسد. آیا می‌توان زیر سایه جنگی که افکار عمومی ایران و باقی مردم دنیا را به‌شدت درگیر کرده و بخش قابل توجهی از جامعه منتظر ادامه‌دار شدن آن هستند، در لاف‌ها عباراتی مثل سینمای شاعرانه از یک فضای ختنی رونمایی کرد که تداعی‌کننده نادیده گرفتن عمدی تمام این مسائل و دغدغه‌هاست؟ وقتی جنگ پشت دروازه‌های زیست روزمره ما قق الباب می‌کند و هر آن و هر لحظه امکان ورود آن هست، وقتی حتی بی‌خبرترین شهروندان جامعه جهانی هم ناگزیر شده‌اند تصاویری از وحشیانه‌ترین نسل کشی‌ها را در غرب آسیا ببینند و حتی کشورهایی مثل مکزیک و استرالیا که هیچ‌کس یاد ندارد مردم‌شان برای چیزی تظاهرات کرده باشند، سیل جمعیت معترض را نسبت به این اتفاقات روانه خیابان‌ها می‌کنند، آیا صرفا با قرار دادن یک بخش تحت عنوان «بیون شکسته» و بر پایه یک نمایشگاه عکس که همه آنها قرار است زیر عنوان سینمای شاعرانه کم‌تر شوند، می‌توان یک رویداد فرهنگی برگزار کرد که متناسب با صدای مورد انتظار از یک فستیوال هنری در ایران باشد؟ به نظر می‌رسد دنیا در این لحظه تعیین‌کننده می‌خواهد ببیند ایران و هنرمندان آن چه می‌گویند و چه واکنشی نسبت به تمام این رویدادها دارند. چیزی که برای برقراری یک ارتباط مناسب و قدرتمند با افکار عمومی

مجموع چیزی که بیشتر اهمیت دارد و نیازمند توجه دقیق‌تری است، نفس برگزاری این رویداد چه در تهران و چه شهرستان، چه به صورت همزمان با بخش ملی و چه جداگانه است. کیفیت اجرایی جشنواره تنها یکی از موضوعات قابل طرح است که در هر دوره می‌تواند با کاستی‌ها یا مزیت‌هایی نسبت به دوره‌های دیگر همراه باشد اما بد نیست نگاهی کلی‌تر به این رویداد هم انداخته شود و مروری بر این صورت گیرد که در ۴۲ دوره قبل چه اتفاقی برای آن افتاده است. یک نکته مهم و قابل توجه که شاید در هیچ جشنواره دیگری در دنیا سابقه نداشته باشد و مخصوص فستیوال بین‌المللی فجر است، همین عدد ۴۳ دوره برگزاری آن است. بخش بین‌الملل فجر از سال ۱۳۷۶ رسمیت یافت. یعنی از دوره شانزدهم و وقتی بخش‌های ملی و جهانی آن برای نخستین بار در سال ۹۳ از هم جدا شدند، بخش جهانی همان عدد برگزاری بخش ملی را مورد استفاده قرار داد. به عبارتی، در بهترین حالت می‌توان گفت جشنواره جهانی فجر، ۱۵ دوره کمتر از بخش ملی برگزار شده بود و با یک سالی که در برگزاری‌اش وقفه افتاد، این فاصله به ۱۶ دوره رسید. بنابراین می‌توان گفت به طور طبیعی در این مورد تجربه کمتری نسبت به بخش ملی فجر وجود دارد.برگزاری فیلمسازان سایر کشورها بود و از سوی دیگر آشنا کردن فیلمسازان ایرانی با تکنیک‌ها و گفتمان‌های رایج در میان فیلمسازان سایر کشورها. به عبارتی تمرکز نگاه برگزار کنندگان جشنواره روی سینمای داخلی بود و بخش بین‌الملل فجر هم ابزاری در همین راستا به حساب می‌آمد و بر برگزار کنندگان دوره چهل‌وسوم هم میراث‌دار جشنواره‌ای هستند که حداقل در ۳۰ دوره به این شکل ریل گذاری شده بود. جشنواره‌ای که از ابتدا این چنین شکل گرفت، در ادامه هم بی‌اینکه یک طراحی است استراتژیک جدید برای عوض کردن ریل آن صورت گیرد، با همان فرم سابق جلو آمد و مرتب تلاش کرد که خصوصیات جهانی به خودش بگیرد، بدون اینکه آن نگاه اولیه تغییری کرده باشد.نکته مهم دیگر درباره این جشنواره رویکردهای کلی آن نسبت به سینما و جامعه جهانی است. مدیران سینمایی دهه ۶۰ یک فیلمساز روس به اسم آندره تار کوفسکی را به سینمای ایران معرفی کردند که آثارش فضایی شاعرانه و خنثی داشت. این رویکرد تا مدت‌ها به‌شدت برای سینماگران ایرانی تبلیغ می‌شد

چرا مردم از باز بخش سر یال‌های قدیمی استقبال می‌کنند؟

کیفیت کار می‌کند

مخاطبانی که در میان انتخاب‌ها و گزینه‌های متعددی مخیر هستند، بر اساس رهیافت‌های آتی یا ذائقه قبلی خود دست به انتخابگری می‌زنند. در فرآیند انتخاب صرفاً «کیفیت اثر» نیز موثر نیست، بلکه مخاطب تلاش دارد در سرمایه‌گذاری زمان محدود خود، کمترین ضرر را متحمل شود و انتخابی با پایین‌ترین ریسک را داشته باشد، چرا که به‌رغم اینکه بسیاری از محتواهای نمایشی به صورت رایگان در دسترس مخاطبان قرار می‌گیرد اما «زمان» یکی از مهم‌ترین هزینه‌هایی است که مخاطبان برای تماشای این‌المللی محتواها صرف می‌کنند.از این رو مخاطبان به عنوان یک ماینر ذهنی، از پیشنهادات دیگران برای تماشای محتوای نمایش استفاده می‌کنند. حال مجدداً انتخاب سرریال‌های تکراری را در چنین زمینه‌ای تصور کنید؛ مخاطبی که از کیفیت یک اثر – به واسطه واکنش‌های گذشتۀ مخاطبان – مطمئن است، در حالی که از کیفیت سرریال‌های جدید چندان مطمئن نیست. چنین فردی در زمان انتخاب، به سمت گزینه‌های کهریسک‌تر سوق داده می‌شود. در نهایت، یکی دیگر از توجیهات انتخاب‌های تکراری در نظریات انتخاب رسانه‌ای «تلاش برای بازسازی لذت اولیه مصرف» است. به بیان دیگر «وستائزی» و تلاش برای تجربه مجدد یک لذت قدیمی، یکی دیگر از مؤلفه‌های موثر در زمینه انتخاب محصول رسانه‌ای تکراری است. این اتفاق در مصرف محصولات کوتاه‌تر مانند موسیقی بسیار قوی‌تر عمل می‌کند به صورتی که بخش قابل توجهی از آهنگ‌هایی که مخاطبان ایرانی گوش می‌کنند، از آهنگ‌های قدیمی است. در پایان باید تأکید کرد در شرایط اشباع رسانه‌ای که تعدد و تنوع رسانه‌ها با شدت بسیار بیش از گذشته در جریان است، ابزارهای تحلیلی و داده‌های دقیق مصرف رسانه‌ای، در کنار تحلیل‌های علمی از رفتارهای مخاطبان می‌تواند در روشن شدن هر چه بیشتر شرایط کمک کند؛ کاری که متا تلاش دارد به مطالعه مداوم رفتار مصرف رسانه‌ای مخاطبان، رسانه‌های ایرانی را در ارتباط با مخاطبان خود توافمند کند.

✽ پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع)

کرد. دومین مؤلفه مهم تکرار انتخاب‌ها است. طبق تحقیقات انجام شده، افزایش تعداد گزینه‌های در دسترس مخاطبان، باعث می‌شود مخاطبان در بین گزینه‌های مختلف تقسیم شوند. به بیان دیگر، با افزایش تعداد انتخاب مخاطبان، میزان مخاطب پرمخاطب‌ترین تولیدات رسانه‌ای روند کاهش می‌یابد و خود می‌گیرد. در خود ایالات متحده، بر اساس داده‌های نیلسن، پرمخاطب‌ترین برنامه تلویزیونی تنها چیزی حدود ۲ درصد مخاطب دارد!

در ایران نیز با موج افزایش مصرف شبکه‌های اجتماعی از یک سو و تولیدات نمایشی شبکه نمایش خانگی از سوی دیگر که از جهت حجم تولید در سطح و اندازه صداوسیما اقدام می‌کند، مخاطبان را در میان انتخاب‌های بسیار متعددی تقسیم می‌کند و باعث می‌شود میزان مخاطبان سرریال‌های جدید کاهش یابد.

انتخاب رسانه‌ای مخاطبان جست‌وجو کرد. در چنین شرایطی

شبکه‌های اجتماعی نیز، ماحصل تعامل فعال این نسل با یوسف پیامبر بوده است. این سرریال حتی ۱۵ درصد کسانی را که اعلام کرده‌اند «اصلاً» تلویزیون تماشا نمی‌کنند به خود جذب کرد که عدد بسیار قابل توجهی است. همچنین ۳۳ درصد از کسانی که خود را مخاطب ماهواره می‌دانند و ۵۵ درصد مخاطبان محتوای نمایش خانگی نیز پای تماشای این سرریال نشستند.

این آمار و نظایر آن، نشان‌دهنده آن است که باید به ادعاهای مطرح شده درباره کاهش «شدیدی» و «سریع» مخاطبان تلویزیون، با دیده تردید نگریست؛ اما در کنار این وضعیت نمی‌توان کاهش مخاطبان تولیدات نمایشی و برنامه‌های جدید صداوسیما را نیز نادیده گرفت. پرمخاطب‌ترین برنامه‌های این روزهای تلویزیون طبق نتایج روندی متا، به‌ندرت به ۲۰ درصد از آفراینان بالای ۱۸ سال می‌رسد. بسیاری از سرریال‌های جدید حتی توانایی جذب ۱۰ درصد مخاطب را ندارند.

■ **تحلیل علل تماشای محتوای تکراری**
اولین دلیل شکل‌گیری این پدیده «کاهش کیفیت» محصولات رسانه‌ای جدید، چه در شبکه نمایش خانگی و چه در صداوسیماست. هرچند بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران به این عامل اشاره می‌کنند اما باید توجه داشت تحلیل رفتار مخاطبان تنها از زاویه کیفیت محصولات رسانه‌ای حتما اشتباه است. مؤلفه‌های بسیار زیادی در انتخاب‌ها و ساخت رفتارهای رسانه‌ای مخاطبان تأثیرگذار است که به تناسب مساله در ادامه به برخی از این عوامل که در مطالعات علمی و تحقیقاتی مخاطب‌پژوهی مطرح است، اشاره خواهیم

تحلیل وضعیت صداوسیما در شرایط کنونی کار بسیار دشواری است. بسیاری معتقدند در پی تصمیمات و سیاست‌های مدیریت ۴ سال گذشته، مخاطبان این رسانه کاهش شدیدی یافته است.

هرچند روی میزان و شیب این کاهش حرف‌های ضدوقیضی مطرح است اما مدیران این رسانه نیز با ارجاع به روند کاهش رسانه‌های پخش (Broadcast) در جهان، کار خود را ساده می‌کنند. البته نسبت به سیاست‌های رسانه‌ای مدیران رسانه ملی انتقاداتی وارد است اما این استدلال چندان دچار خدشه نیست. پیش‌تر در یادداشت «تلویزیون» همچنان محبوب اما رو به افول» به بررسی تطبیقی داده‌های جهانی و ایرانی مصرف رسانه‌های پخش پرداخته شد. نکته قابل توجه در آن داده‌ها این بود که شیب افول تلویزیون در کشورهای مختلف جهان بسیار بیشتر از ایران بوده است.

در چنین شرایطی، به صورت محسوس، بازپخش تولیدات نمایشی قدیمی صداوسیما به مراتب از تولیدات جدید این سازمان مخاطب بیشتری دارد. طبق داده‌های گردآوری شده توسط متا، از ابتدای سال ۱۴۰۴، بازپخش سرریال‌های ستایش، دودکش، نون خ و بچه مهندس از جمله پرمخاطب‌ترین سرریال‌های این سال را تاکنون تشکیل داده‌اند که همگی بالای ۳۰ درصد مخاطب داشته‌اند! اما در مهرماه، بازپخش سرریال یوسف پیامبر با جلب ۵۳ درصد مخاطب، باعث شد این سرریال پس از «پایتخت ۷» در صدر جدول پرمخاطب‌ترین‌های ۱۴۰۴ قرار گیرد و موضوع استقبال از بازپخش سرریال‌های قدیمی صداوسیما را بیش از پیش مطرح کرد. وجه پدیده بودن یوسف پیامبر، به غیر از مجموع مخاطبان آن در میانگین کل جامعه، جذابیت آن برای نسل جوان بود؛ به طوری که دسته‌ای که کمترین میزان مصرف تلویزیون را دارد – یعنی دسته سنی ۱۸ تا ۲۵ سال – بیشترین نسبت مخاطب سرریال یوسف پیامبر را در نسبت با دیگر دسته‌های سنی داشته است. برجسته شدن مجدد قسمت‌های این سرریال و شوخی‌های مربوط به آن در